فصلنامه سیاست‌های مالی و اقتصادی
سال چهارم، شماره ۱۴، تابستان ۱۳۹۵، صفحات ۳۲-۷

شناسایی بخش‌های اقتصادی محرک ایجاد اشتغال در استان‌های مختلف ایران و چشم‌انداز آن (رهیافت انتقال – سهم)

محمد غفاری‌فرد
استادیار، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد بوئین زهرا ، قزوین، ایران (نویسنده مسئول)
Ghaffary2@yahoo.com

رضا خوش‌سیما
استادیار، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد بوئین زهرا، قزوین، ایران
khoshcima@gmail.com

تجزیه‌وتحلیل روند اشتغال و ساختار آن در سطح کشور و مناطق مختلف آن مستلزم شناخت دقیق استعدادها و توان بالقوه بخش‌ها و ترکیب آن در مناطق است تا بتوان برنامه‌ریزی و اشتغالزایی متوازن و متعادلی را در هر یک از بخش‌ها و مناطق محقق ساخت. اشتغال همواره از دغدغه‌های اصلی سیاستگذاران اقتصادی بوده و به‌طور کلی نیروی انسانی در مسائل اقتصادی جایگاه ویژه‌ای داشته است. هدف از این مطالعه تعیین وضعیت اشتغال بخش‌های عمده فعالیت در استان‌های کشور ایران طی دوره (۱۳۹۰-۱۳۸۵) می‌باشد. به این منظور با استفاده از مدل انتقال- سهم به تشخیص نوع بخش‌های اقتصادی از نظر مزیت نسبی، برنده، بازنده و بازنده مختلط اقتصادی پرداخته شده و همچنین با استفاده از شاخص ضریب مکانی (LQ) بخش‌های پایه‌ای و غیر پایه‌ای هر استان مشخص شده است. نتایج حاکی است که در تمام استان‌ها توزیع نیرو به نفع مشاغل خدماتی و جهت‌گیری فعالیت‌های آینده استان به‌سمت بخش خدمات است، همچنین بخش خدمات در اکثر استان‌ها به‌جز استان‌های آذربایجان شرقی، تهران، خوزستان، سیستان‌وبلوچستان، کرمان، کرمانشاه، کهگیلویه‌وبویراحمد، گیلان، لرستان و یزد پتانسیل لازم برای ایجاد اشتغال در آینده را دارند و به‌عنوان محرک لازم برای ایجاد اشتغال در استان‌ها محسوب می‌شوند. ازنظر فعالیت پایه‌ای نتایج نشان می‌دهد بخش خدمات در استان‌های بوشهر، تهران، خوزستان، سمنان، فارس، قم، کرمانشاه و هرمزگان فعالیت پایه‌ای محسوب شده و این بخش درجهت مزیت رقابتی این استان‌ها حرکت کرده است. ضرایب مکانی سایر استان‌ها در بخش خدمات حاکی از این است که این بخش در آن‌ها هنوز به سطح خودکفایی نرسیده و متقاضی نیروی کار بیشتری است.

طبقه‌بندی JEL: C43,R11,R12.

واژه‌های کلیدی: استان‌های کشور ایران، اشتغال، انتقال – سهم، مزیت نسبی، ضریب مکانی.

---

* **تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۱/۳۰ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۵/۲**

[۲] از دانشگاه آزاد اسلامی بوئین زهرا به‌دلیل حمایت مالی از انجام این طرح پژوهشی سپاسگزاری می‌نماییم.

[Downloaded from qjfep.ir on 2026-11-06]

۱. مقدمه

رشد و توسعه‌آینده مناطق یک کشور از مهم‌ترین مسائلی است که برنامه‌ریزان و سیاستگذاران دولتی باید به آن توجه داشته باشند. به این منظور شناخت استراتژی‌های توسعه‌ای مناسب حائز همیت فراوانی است. در نتیجه، برنامه‌ریزان محلی باید قدرت و ضعف اقتصاد محلی را بشناسند. واقعیت‌های موجود نشان‌دهنده آن است که در مناطق مختلف کشور نابرابری‌های فراوانی در امر اشتغال وجود دارد. پدیده فوق حتی در بین شهرستان‌های مختلف یک استان نیز قابل مشاهده است. این پدیده به‌دلیل عدم شناخت امکانات و استعدادهای مناطق مختلف در زمینه توسعه اقتصادی به‌وجود آمده است. تحقیق حاضر سعی در کشف چگونگی روند شتغال در بخش‌های مختلف اقتصادی استان‌های کشور طی دوره (۱۳۹۰-۱۳۸۵) دارد و هدف اصلی آن دانستن این مطلب است که توزیع منطقه‌ای اشتغال در استان‌ها چگونه و کجا شکل گرفته است. این مقاله در پی پاسخ به این پرسش است که در بین فعالیت‌های مهم اقتصادی در استان‌های مختلف کشور چه بخش‌هایی پتانسیل لازم برای ایجاد اشتغال را دارند؟ و با توجه به ساختار بخش‌های مختلف اقتصادی هر استان پیش‌بینی میزان اشتغال تا پایان سال ۱۳۹۵ چگونه خواهد بود؟.

بنابراین در این مقاله ابتدا به مبانی نظری تحقیق پرداخته می‌شود و سپس در بخش دوم در طرح مسئله بر ادبیات اقتصادی در خصوص رشد اشتغال، ایجاد فرصت‌های شغلی منطقه‌ای و مزیت نسبی مروری صورت می‌گیرد و در بخش سوم پیشینه تحقیقات انجام‌شده در خصوص وضعیت اشتغال بخش‌های عمده اقتصادی بررسی می‌شود، در بخش چهارم روش تحقیق مطرح می‌شود که به معرفی مدل‌های تحلیل انتقال – سهم و ضریب مکانی از بعد اشتغال می‌پردازد، در بخش پنجم به تجزیه‌وتحلیل داده‌های بخش‌های عمده اقتصادی استان‌ها پرداخته می‌شود و در بخش آخر نتایج و یافته‌های تحقیق ارائه می‌شود.

۲. مبانی نظری

تجزیه‌وتحلیل روند اشتغال و ساختار آن در سطح استان و مناطق مختلف آن، مستلزم شناخت دقیق استعدادها و توان بالقوه بخش‌ها و ترکیب آن در مناطق است تا بتوان برنامه‌ریزی و اشتغالزایی متوازن و متعادلی را در هر یک از بخش‌ها و مناطق محقق ساخت.

[Downloaded from qjfep.ir on 2026-11-06]

اشتغال همواره از دغدغه‌های اصلی سیاستگذاران اقتصادی بوده است و اشتغال و به‌طور کلی نیروی انسانی در مسائل اقتصادی جایگاه ویژه‌ای دارند (صباغ‌کرمانی و جمشیدی، ۱۳۸۰).

رشد و توسعه آینده مناطق یک کشور از مهم‌ترین مسائلی است که برنامه‌ریزان و سیاستگذاران دولتی باید به آن توجه داشته باشند. به این منظور شناخت استراتژی‌های توسعه‌ای مناسب حائز اهمیت فراوانی است. در نتیجه، برنامه‌ریزان محلی باید قدرت و ضعف اقتصاد محلی را بشناسند. واقعیت‌های موجود نشان می‌دهد که در مناطق مختلف کشور نابرابری‌های فراوانی در امر اشتغال وجود دارد. این پدیده به‌دلیل عدم شناخت امکانات و استعدادهای مناطق مختلف در زمینه توسعه اقتصادی به‌وجود آمده است. اشتغال و میزان آن همچون هر متغیر اساسی و اجتماعی تحت تأثیر عوامل مختلفی قرار می‌گیرند که می‌توان به میزان تولید، میزان سرمایه‌گذاری، سطح دستمزدها، سطح قیمت‌ها، سیاست‌های دولت و ... اشاره نمود که با تغییر هر متغیر میزان اشتغال به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم تحت تأثیر قرار می‌گیرد و سطوح اشتغال و بیکاری در بازار تعیین شده و هر متغیری ممکن است اثرات مثبت یا منفی بر فرایند بازار کار داشته باشد. شناسایی ساختار اشتغال در سطح استانی و منطقه‌ای، با توجه به سهم هر استان در تولید ناخالص ملی از یک طرف و توزیع آن در سطح استان‌ها در جهت رشد و توسعه متوازن اشتغال کشور، از طرف دیگر اهمیت ویژه‌ای دارد.

یکی از بهترین نظریات در خصوص اشتغال بخش‌های اقتصادی توسط کوزنتس (۱۹۵۵) انجام شده است. کوزنتس معتقد است در بسیاری از کشورها از سهم عامل نیروی کار در تولید محصولات کشاورزی کاسته شده، در حالی‌که سهم نیروی‌کار شاغل در بخش صنعت در تمام کشورهای مورد مطالعه روند صعودی داشته است. همچنین بهره‌وری عوامل تولید در بخش کشاورزی با نرخی مشابه با میانگین بهره‌وری ملی افزایش یافته، اما بهره‌وری در بخش صنعت با سرعت بیشتری از میانگین بهره‌وری کل اقتصاد رشد کرده و در نهایت این‌که نرخ رشد بهره‌وری در بخش خدمات کمتر از میانگین رشد بهره‌وری برای کل شاخه‌های اقتصادی از ارکان توسعه هر منطقه محسوب می‌شود. رشد بخش‌های اقتصادی گویای پیشرفت هر ناحیه و منطقه است و برخورداری از هدف و مسیری خاص برای فعالیت‌های اقتصادی در هر مکان مشخص‌کننده

[Downloaded from qjfep.ir on 2026-11-06]

پیشرفت آن مکان در یک زمینه خاص اقتصادی است. مهم‌ترین بخش‌های اقتصادی و شاخص‌های آن به‌شرح زیر است:

۲-۱. بخش کشاورزی

بخش کشاورزی یکی از بخش‌های اصلی فعالیت‌های اقتصادی است که با وجود مزیت‌های نسبی اقتصادی چشمگیر، از حیث توسعه اشتغال معمولاً بخشی فروکاهنده و دارای محدودیت ارزیابی می‌شود. نگاهی به سهم اشتغال بخش کشاورزی در کشور نشان می‌دهد که طی چهار دهه گذشته سهم اشتغال بخش کشاورزی در کشور به‌طور قابل‌توجهی کاهش یافته است (کرباسی و همکاران، ۱۳۸۷).

۲-۲. بخش صنعت

صنعت، یکی از مهم‌ترین عناصر و عوامل رشد و توسعه اقتصادی است. رشد و توسعه بخش صنعت، زمینه و امکان رشد و توسعه سایر بخش‌ها از جمله کشاورزی، بهداشت‌ودرمان، حمل‌ونقل و انرژی را فراهم می‌کند. بنابراین بخش صنعت در تحولات اقتصادی کشور نقش کلیدی ایفا می‌کند و به‌واسطه اهمیتی که در ایجاد تقاضا و تأمین مواد اولیه، کالاهای واسطه‌ای و سرمایه‌ای با منشأ صنعتی برای بخش‌های مختلف اقتصاد دارد، می‌تواند به نقش کلیدی خودکفا عمل کند (پدرام و حبیبی‌فر، ۱۳۸۷).

۲-۳. بخش خدمات

بخش خدمات از ارکان اساسی فعالیت‌های اقتصادی است. این بخش با ظهور شهرنشینی شکل می‌گیرد و با گسترش شهرنشینی پوشش وسیع‌تری می‌یابد. در حال حاضر سیاستگذاران اقتصادی در کشورهای در حال توسعه باید به این نکته توجه داشته باشند که دیگر نمی‌توان محورهای توسعه را تنها در بخش کشاورزی یا صنعت جستجو کرد، بلکه باید به کمک نوآوری‌های فنی، بخش خدمات را در فرایند توسعه اقتصادی در یک موقعیت استراتژیک قرار داد (حکیمیان، ۱۳۷۸).

[Downloaded from qjfep.ir on 2026-11-06]

۲-۴. نظریات مختلف اقتصادی در حوزه توسعه و اشتغال

چارچوب نظریه توسعه اقتصادی آدام اسمیت (۱۷۷۶) بر مفاهیم کلیدی دست نامرئی،[1] تقسیم کار،[2] انباشت سرمایه[3] و گسترش بازار[4] متکی است. ریکاردو (۱۸۱۷) با طرح نظریه قانون بازده نزولی[5] رشد اقتصادی را ناشی از دستمزدهای پایین کارگران صنعتی، بالا بودن سودهای سرمایه‌داران و انباشت بیشتر سرمایه در صنعت می‌داند.

ریکاردو (۱۸۱۷) در نظریه مزیت نسبی معتقد است که تجارت آزاد بین کشورها باعث افزایش تولید ناخالص ملی و توسعه می‌شود. در تفکر اقتصاددانان کلاسیک سرمایه نقش اصلی را دارا بود. از نظر آنان، سرمایه عامل اصلی توسعه به‌شمار می‌رفت (دورفمن، ۱۹۹۱).

توجه اصلی نئوکلاسیک‌ها نیز به سرمایه معطوف بود. به اعتقاد آن‌ها نرخ پس‌انداز و نسبت سرمایه به محصول عامل اصلی توسعه تلقی می‌شد و نقش کار به‌عنوان عامل تولید، نقشی ثانوی محسوب می‌شد. مدل‌های سنتی رشد دهه ۱۹۵۰ اشتغال را تابع سرمایه می‌دانند. مدل‌های رشدی که در سال‌های گذشته رایج بودند، به‌ویژه مدل هارود- دومار، [6] (هارود، ۱۹۳۹و دومار، ۱۹۴۶) اساساً بر انباشت سرمایه مبتنی هستند. در تأکید بر انباشت سرمایه، مدل‌های دیگری همچون توبین- سولو[7] (سولو، ۱۹۵۶؛ توبین، ۱۹۶۵)، کالدور[8] (۱۹۵۷) و دوزنبری[9] (۱۹۵۸) نیز توسعه یافتند (مورگان، ۱۹۶۸).

بر اساس این مدل‌ها- صرف‌نظر از تفاوتشان با یکدیگر- تنگنای موجود بر سر راه رشد اقتصادی، کمبود سرمایه است و بنابراین چاره اساسی انباشت سرمایه است. همچنین مدل‌های رشد متعادل (روزنشتین، ۱۹۵۸) [10] و رشد نامتعادل (هیرشمن، ۱۹۵۸) [11] نیز بر انباشت سرمایه برای

1. Invisible hand
2. Division of labor
3. Capital accumulation
4. Extension of market
5. Diminishing Returns Law
6. Harrod-Domar
7. Tobin-Solow
8. Kaldor
9. Duesenberry
10. Rosensteien
11. Hirshman

[Downloaded from qjfep.ir on 2026-11-06]

رسیدن به توسعه تأکید داشتند؛ با این تفاوت که تئوری‌های رشد متعادل، سرمایه‌گذاری متعادل در تمام بخش‌ها و تئوری‌های رشد نامتعادل، سرمایه‌گذاری در بخش‌های برگزیده را عامل توسعه می‌دانند.

تئوری‌ها و سیاست‌های توسعه طی دو دهه ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ همچنان بر نرخ رشد (GNP)[1] از طریق انباشت سرمایه استوار بود، لیکن چنین تئوری‌هایی که به‌طور عمده برگرفته از نیاز و شرایط کشورهای توسعه‌یافته بودند، نمی‌توانستند مشکلات کشورهای در حال توسعه را که با کمبود سرمایه و مازاد نیروی انسانی غیرماهر مواجهند، حل کنند (هاربیسن، ۱۹۷۸).

به این دلیل، برخی از نظریه‌پردازان توجه خود را به نیروی انسانی و وضعیت کشورهای در حال توسعه معطوف کردند. در این راستا، لوئیس (۱۹۵۴) تئوری عرضه نیروی کار نامحدود را مطرح کرد. بر اساس این تئوری، اقتصادهای کشورهای در حال توسعه، اقتصادهای دوگانه است. این دوگانگی ناشی از وجود بخش سنتی کشاورزی در کنار بخش مدرن صنعت است. بخش سنتی با مازاد نیروی کار[2] و بهره‌وری ناچیز و بنابراین بیکاری پنهان[3] روبرو است؛ حال آنکه بهره‌وری در بخش مدرن بسیار بالاتر از بهره‌وری در بخش سنتی است. لوئیس اعتقاد داشت که انتقال مازاد نیروی کار بخش سنتی به بخش مدرن موجب تحرک و انباشت سرمایه در بخش مدرن می‌شود.

فی- رانیس (۱۹۶۵؛ ۱۹۶۶)[4] و چاو (۱۹۶۳) نیز همچون لوئیس ضمن اشاره به دوگانگی در کشورهای در حال توسعه، انتقال مازاد نیروی کار از بخش سنتی به مدرن را عامل توسعه می‌دانستند (لوئیس، ۱۹۵۴).

شولتز (۱۹۶۱)[5] نیز مفهوم سرمایه انسانی[6] را مطرح کرد که بر اساس آن سرمایه انسانی به‌عنوان عامل تولید همچون سرمایه طبیعی و سرمایه فیزیکی از شأن مناسبی برخوردار است و نقش آن در تولید، بهره‌وری و رفاه باید مورد توجه قرار گیرد. این دیدگاه باعث بازنگری در مفهوم سرمایه و سرمایه‌گذاری شد.

1. Gross National Product
2. Surplus labour
3. Disguised unemployment
4. Fei and Ranis
5. Schultz
6. Human capital

[Downloaded from qjfep.ir on 2026-11-06]

با این وجود، تئوری‌های سنتی توسعه اقتصادی به‌طور عمده بر انباشت سرمایه تأکید داشتند و در آن‌ها نیروی انسانی به‌عنوان عامل توسعه در درجه دوم اهمیت بود. اینگونه تصور می‌شد که در بلندمدت مردم فقیر نیز از منافع حاصل از رشد اقتصادی بهره‌مند می‌شوند، اما چنین نشد و در بسیاری از کشورهای در حال توسعه، با وجود برخورداری از نرخ بالای رشد، بسیاری از مردم در فقر به‌سر می‌بردند و حتی نیازهای اولیه زندگیشان نیز رفع نمی‌شد (تودارو، ۱۹۹۷).

بنابراین، در توانایی تئوری‌های سنتی توسعه برای حل مشکلات اغلب کشورهای در حال توسعه تردید جدی ایجاد شد. در اوایل دهه ۱۹۷۰، جورج مورس[1] دبیر کل وقت سازمان جهانی کار (ILO)[2] به عدم کفایت شاخص GNP در کار اندازه‌گیری سطح توسعه تصریح و اشتغال را به‌عنوان یک معیار اساسی در کنار GNP معرفی کرد (دیجوماو، ۱۹۷۸).

پس از آن، در اثر تلاش‌های بی‌وقفه هاربیسن (۱۹۷۸) از تسلط بلامنازع انبا شت سرمایه و رشد GNP به‌عنوان عامل اصلی توسعه در متون ویژه اقتصادی توسعه کاسته شد و گرایش منابع انسانی پا به عرصه وجود گذاشت (ILO، ۱۹۷۶).

از نظر این گرایش، استفاده بهینه از نیروی انسانی و توسعه نیروی انسانی باید مهم‌ترین دغدغه و هدف اساسی توسعه باشد. اگر این دو هدف تأمین گردد، دستیابی به رشد اقتصادی و سطح زندگی بالا امکان‌پذیر خواهد بود. هاربیسن (۱۹۷۸) معتقد است:

"منابع انسانی پایه و ا ساس ثروت ملل ا ست، نه سرمایه، درآمد یا منابع فیزیکی. سرمایه و منابع طبیعی عوامل منفعل تولیدند و نیروی انسانی به‌طور فعال سرمایه را انباشت می‌کند و منابع طبیعی را به‌کار می‌گیرد. علاوه بر آن، نیروی انسانی نهادهای سیاسی، اجتماعی و اقتصادی را بنا و تو سعه را پایه‌گذاری می‌کند. رو شن ا ست که اگر ک شوری نتواند به تو سعه و ا ستفاده بهینه از نیروی انسانی خود بپردازد، قادر به توسعه هیچ چیز دیگر نخواهد بود."

در اثر این تحولات، رویکرد انسان‌محوری یا قابلیت انسانی[3] که در دهه ۱۹۸۰ توسط سن (۱۹۸۱) مطرح شده بود، در در دهه ۱۹۹۰ به‌صورت یک رویکرد جدید توسعه معرفی شد.

1. George Mors
2. International Labour Organisation.
3. Human capability

[Downloaded from qjfep.ir on 2026-11-06]

بر اساس این رویکرد، جایگاه انسان از عامل توسعه به فاعل توسعه ارتقا یافت، به‌گونه‌ای که نوع نگرش به انسان به‌عنوان عامل اقتصادی و ارزیابی رفتار وی توسط سطح مطلوبیت، منابع و درآمد دچار تحول شد. در این دگرگونی به کارکردهای مبتنی بر خواست‌ها و اعمال انسان به‌عنوان محور توسعه شامل برخورداری از بهداشت، سلامت، مسکن، مشارکت اجتماعی و ... توجه شد.

۳-پیشینه تحقیق

اکبری و همکاران (۱۳۹۱) در تحلیل وضعیت اشتغال بخش‌های عمده اقتصادی شهرستان‌های استان کرمانشاه طی دوره (۱۳۸۵-۱۳۷۵) با استفاده از مدل تغییر – سهم به تشخیص بخش‌هایی که مزیت نسبی دارند و از قدرت رقابتی برخوردار هستند پرداخته، همچنین با به‌کارگیری شاخص ضریب مکانی (LQ) بخش‌هایی را که صادرکننده نیروی کار خود بودند را مشخص نموده‌اند. نتایج نشانگر رشد نامتناسب شاغلان شهرستان‌های استان کرمانشاه نسب به شاغلان استان طی دوره مورد مطالعه بوده و همچنین با استفاده از مدل تغییر سهم وضعیت اشتغال هر یک از بخش‌های اقتصادی شهرستان‌های استان کرمانشاه برای سال ۱۳۹۵ پیش‌بینی شده است.

صیدایی و همکاران (۱۳۹۰)، در مقاله‌ای با عنوان "تحلیل مکانی فضایی ساختار اقتصادی اشتغال در استان چهارمحال‌وبختیاری "به این نتیجه رسیدند که اشتغال این استان به‌سمت خدمات میل می‌کند و در دهه‌های آینده شاهد رشد اشتغال در بخش خدمات وکاهش شاغلین دیگر بخش‌های اقتصادی در این استان خواهیم بود.

فرشادفر و اصغرپور (۱۳۸۹) در مقاله‌ای با عنوان "بررسی مزیت نسبی اشتغالزایی بخش‌های عمده اقتصادی در استان کرمانشاه" با استفاده از دو مدل اقتصاد پایه و اقتصاد منطقه‌ای تغییر سهم به بررسی علل رشد متناسب یا نامتناسب شاغلان استان کرمانشاه نسبت به کل کشور پرداخته‌اند؛ نتایج حاکی از رشد سریع و نامتوازن بخش خدمات استان و کاهش مزیت بخش صنعت و افزایش مزیت بخش کشاورزی در جذب شاغلان است.

فرهودی و محمدی (۱۳۸۵)، در پژوهشی تحت عنوان "تحلیل و پیش‌بینی وضعیت اشتغال در شهر سنندج" با استفاده از مدل تغییر - سهم، ضریب مکانی و ضریب جینی به این نتیجه رسیدند که اقتصاد شهر سنندج بر پایه رشد بخش خدمات است و بخش‌های مولد و صنعتی در این

[Downloaded from qjfep.ir on 2026-11-06]

شهر نقش بسیار ناچیزی را ایفا کرده و کشاورزی به‌شدت در حال تنزل بوده و سهم مشاغل کاذب رو به افزایش است.

صباغ‌کرمانی و جمشیدی (۱۳۸۰) در مقاله‌ای با عنوان "تجزیه‌وتحلیل روند رشد اشتغال و تغییرات ساختاری آن در بخش صنعت در استان‌های مختلف ایران" به طبقه‌بندی استان‌های ایران از بعد نرخ رشد اشتغال صنعتی طی دوره زمانی (۱۳۷۳- ۱۳۵۳) پرداخته‌اند. نتایج به‌دست آمده نشان می‌دهد که از بین ۲۴ استان کشور، نرخ رشد اشتغال صنعتی در ۲۰ استان بیش از کل کشور و در ۴ استان کمتر از کل کشور بوده، همچنین نرخ رشد اشتغال صنعتی در ۱۰ استان از دوره اول به دوره دوم افزایش یافته است. اما در ۱۴ استان دیگر نرخ اشتغال صنعتی از دوره اول به دوره دوم کاهش یافته است.

مهرگان و همکاران (۱۳۹۰) در مقاله‌ای با عنوان "تحولات اشتغال زنان در ایران با استفاده از تحلیل انتقال سهم" به بررسی تحولات صورت‌گرفته در اشتغال زنان ایران می‌پردازند. نتایج نشان می‌دهد با گذشت زمان ساختار نیروی کار زنان در ایران تغییرات اساسی داشته است، به‌طوری‌که طی دوره‌های مورد بررسی رشد شاغلان زن کشور بیشتر از سهم کشور از رشد منطقه منا (خاورمیانه و شمال آفریقا) بوده است. این رشد نامتناسب به‌دلیل رشد رقابتی و ساختاری مثبت موجود است؛ یعنی طی دوره مذکور رشد و تحرک فعالیت‌های زنان در اقتصاد ایران مثبت بوده و همچنین نسبت به منطقه منا مزایای رقابتی وجود داشته است، به‌طوری‌که در مجموع به‌دلیل مزایای نسبی و رقابتی موجود در جذب زنان به‌عنوان نیروی کار، اشتغال زنان در کشور از سطح مورد انتظار پیشی گرفته است.

کیهانی‌حکمت (۱۳۹۲) در مقاله‌ای با عنوان "بررسی تحولات اشتغال فارغ‌التحصیلان نظام آموزش عالی در بخش‌های عمده اقتصادی با استفاده از تحلیل انتقال – سهم به بررسی تحولات اشتغال فارغ‌التحصیلان دانشگاهی پرداخته است. نتایج حاکی است که بخش‌های کشاورزی، معدن، آب‌وبرق، خدمات مالی، هتل و رستوران، حمل‌ونقل، مستغلات و خدمات عمومی از میان ۱۱ بخش عمده فعالیت شاغلان با تحصیلات عالی دارای انتقال ساختاری مثبت می‌باشند و تمام ۱۱ بخش عمده فعالیت دارای انتقال رقابتی مثبت است. بنابراین انتظار می‌رود که در آینده این بخش‌ها نقش بسیار مهمی در اشتغال فارغ‌التحصیلان نظام آموزش عالی داشته باشند.

[Downloaded from qjfep.ir on 2026-11-06]

بورگس (۱۹۸۸) در پژوهشی مربوط به صنعت کارخانه‌ای در انگلستان، هزینه‌های تعدیل نیروی کار را در استخدام و اخراج نیروی کار مؤثر می‌داند.

خان و قانی (۱۹۸۹) ایجاد اشتغال در مناطق روستایی پاکستان را با تمرکز خاص بر صنعتی‌سازی مناطق روستایی بررسی کردند و به این نتیجه رسیدند که بخش کشاورزی قادر به ایجاد اشتغال در مقیاس وسیع نیست و اشتغال در بخش‌های غیرکشاورزی باید مدنظر قرار گیرد.

بنجیامین (۱۹۹۲) با حجم نمونه‌ای معادل ۴۱۱۷ نفر از خانوارهای کشاورزی در روستاهای اندونزی به ورود تقاضای نیروی کار کشاورزی پرداخته و به این نتیجه رسیده که مؤلفه‌های سطح زیر کشت به نهاده‌ها، اندازه، خانوار، دستمزد، ضریب پوشش تحصیلی، سطح آموزش و آب و هوا دراشتغالزایی مؤثر است.

آی و همکاران (۲۰۰۷) در موضوعی با عنوان تجزیه‌وتحلیل تغییر سهم روی رشد اشتغال منطقه‌ای ۱۲ منطقه به بررسی رشد اشتغال گروه‌های صنعتی کشور فیلیپین پرداخته‌اند. آن‌ها در نهایت سهم رشد ملی و ترکیب صنعتی در تمام مناطق و اثر رقابتی آن را محاسبه کرده‌اند.

چانیون و همکاران (۲۰۰۷) در مطالعه‌ای به تجزیه‌وتحلیل رقابت توریسم بین‌الملل با استفاده از تحلیل تغییر سهم طی دوره (۲۰۰۴- ۱۹۹۵) برای استان جیانگسو[1] یکی از استان‌های چین پرداختند. نتایج نشان داد که رشد توریسم بین‌الملل در جیانگسو به‌طور اساسی به‌جز رشد ملی و جزء رقابتی (هردو مثبت) آن، نسبت داده می‌شود و ژیانگ مهم‌ترین رقیب جیانگسو در سال‌های مورد بررسی بوده است.

جمریس و همکاران (۲۰۰۹) پس از آزمون داده‌های به‌دست آمده با روش ضریب مکانی (LQ) به این نتیجه رسیدند که این مدل، داده‌های با ارزشی را به‌دست می‌دهد. بنابراین با استفاده از آن به بررسی وضعیت صنایع کارخانه‌ای آمریکا پرداختند.

۴. روش تحقیق

در این مطالعه با به‌کارگیری روش تغییر-سهم به تعیین وضعیت اشتغال بخش‌ها و گروه‌های عمده فعالیت اقتصادی استان‌های ایران طی دوره زمانی (۱۳۹۰- ۱۳۸۵) پرداخته شده و همچنین شرایط ورود و خروج نیروی کار از طریق شاخص ضریب مکانی مورد بررسی قرار می‌گیرد.

1. Jiangsu

[Downloaded from qjfep.ir on 2026-11-06]

داده‌های استفاده شده در این تحقیق، در رابطه با وضعیت اشتغال در استان‌های مختلف کشور ایران، برگرفته از مرکز آمار کشور است. در تحلیل‌های تغییر- سهم، تغییر در اشتغال (تولید و ...) یک منطقه نسبت به تغییر در اشتغال (تولید و ...) ملی یا اقتصاد مرجع طی یک دوره زمانی معین، می‌تواند نتیجه خاص سه اثر تلقی گردد (زیاری، ۱۳۸۰).

۴-۱. سهم ملی ضریب (A)

- اثر رشد اقتصاد مرجع (A) (در این مطالعه کشور ایران است).

عنصر A تغییرات اشتغال در اقتصاد مرجع را طی دوره (۱۳۸۵-۱۳۹۰) نشان می‌دهد. جزء سهم ملی مثبت به آن معناست که اشتغال در منطقه مرجع در حال افزایش بوده است و در نتیجه اگر منطقه با همان نرخ رشد ملی رشد پیدا کند، انتظار می‌رود اشتغال در منطقه افزایش یابد و از این جهت اثر سهم ملی مثبت بوده است.

۴-۲. ترکیب بخشی ضریب (B)

عنصرB رشد یا نزول نسبی هر بخش اقتصاد را در کل اقتصاد مرجع اندازه‌گیری می‌کند. جزء ترکیب بخشی می‌تواند به‌منظور تشخیص فعالیت‌هایی که بیشترین رشد را در یک اقتصاد دارند به‌کارگرفته شود. این جزء می‌تواند به تصمیم‌گیران منطقه‌ای به‌منظور تشخیص رشد بخش‌های منطقه و تشخیص این مسئله که آیا ترکیب بخشی موجود در منطقه برای رشد اقتصاد منطقه مفید است یا خیر، کمک کند. اثر ترکیب بخشی مثبت به این معناست که ترکیب بخشی منطقه به‌صورتی است که سهم بیشتری در بخش‌هایی که از نرخ رشد ملی بالاتری برخوردار هستند، داشته است. به‌عبارتی، آن بخش در کل اقتصاد کشور حالت صعودی داشته است. اثر ترکیب بخشی منفی بیانگر آن است که ترکیب بخشی منطقه به گونه‌ای است که در بخش‌هایی که از نرخ رشد ملی بالاتری برخوردار هستند، سهم کمتری داشته است. به‌عبارتی آن بخش در کل اقتصاد کشور حالت نزولی داشته است.

۴-۳. انتقال منطقه‌ای یا سهم رقابتی (ضریب C)

عنصر C موقعیت رقابتی هر بخش اقتصادی استان را در مقایسه با اقتصاد مرجع اندازه‌گیری می‌کند که ممکن است مثبت یا منفی باشد. جزء سهم رقابتی می‌تواند به‌منظور تشخیص آن دسته از

[Downloaded from qjfep.ir on 2026-11-06]

فعالیت‌های منطقه که دارای مزیت رقابتی نسبت به منطقه مرجع هستند، به‌کارگرفته شود. علاوه بر این از این جزء می‌توان به‌منظور تشخیص مناطقی که دارای مزیت رقابتی بیشتری هستند نیز بهره جست. این جزء می‌تواند به تصمیم‌گیران منطقه‌ای برای تشخیص صنایعی که منطقه در آن‌ها مزیت دارد و تشخیص این مسئله که آیا مزیت رقابتی منطقه در مسیر رشد اقتصاد منطقه حرکت می‌کند یا نه، کمک کند. یک سهم رقابتی مثبت بیانگر مزیت نسبی برای یک منطقه در یک بخش اقتصادی خاص است. یک سهم رقابتی منفی نشان می‌دهد که اقتصاد منطقه سهم خود را در یک بخش مشخص نسبت به سایر مناطق از دست داده است. اگر اثربخشی و اثر منطقه‌ای در فعالیتی هردو مثبت باشند آن فعالیت دارای مزیت بالقوه برای رشد منطقه محسوب می‌شود و اگر این دو اثر هردو منفی باشند فعالیت در بخش بازنده اقتصادی است. یک ترکیب بخشی بزرگتر از صفر به همراه یک سهم رقابتی منفی بیانگر بخش بازنده مختلط اقتصادی یا به‌عبارت دیگر بیان‌کننده این است که منطقه در حال از دست دادن مزیت نسبی خود در صنعتی است که در چشم‌انداز رشد منطقه از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بوده است؛ و یک ترکیب بخشی کوچکتر از صفر به همراه یک سهم منطقه‌ای مثبت بیانگر بخش برنده اقتصادی است.

۴-۴.مدل انتقال - سهم و نحوه محاسبه آن

رشد ناشی از رشد کشور (A):

$$ns_i^{t+1} = e_i^{t-1}\left(\frac{Et}{E^{t-1}} - 1\right) \qquad (۱)$$

تغییرات ناشی از تغییرات ساختارها (B):

$$IM_i^{t+1} = e_i^{t-1}\left(\frac{E_i^t}{E_i^{t-1}} - \frac{E^t}{E^{t-1}}\right) \qquad (۲)$$

تغییرات ناشی از ساختار رقابتی (C):

$$RS_i^{t+1} = e_i^{t-1}\left(\frac{e_i^t}{e_i^{t-1}} - \frac{E_i^t}{E_i^{t-1}}\right) \qquad (۳)$$

نرخ رشد :A+B+C

[Downloaded from qjfep.ir on 2026-11-06]

پیش‌بینی اشتغال دوره بعد: اشتغال دوره بعد=کل اشتغال سال پایه (۱۳۸۵)+اشتغال در فعالیت i سال پایه × (A+B+c)

معرفی متغیرها

e_i^{t-1}= اشتغال در فعالیت i در ابتدای دوره در استان،

E_t= کل اشتغال در کشور در انتهای دوره،

e_i^t = اشتغال در فعالیت i در انتهای دوره در استان،

E_i^{t-1}= اشتغال در فعالیت i درکشور در انتهای دوره،

E^{t-1} = کل اشتغال در کشور در ابتدای دوره.

۵. نتایج تحقیق

در رابطه با شناسایی بخش‌های مختلف اقتصادی محرک اشتغال در استان‌های مختلف ابتدا توزیع شاغلین در بخش‌ها عمده فعالیت در کشور مورد بررسی قرار می‌گیرد و سپس فعالیت‌های مزیت‌دار، بخش بازنده و برنده اقتصادی هر استان با استفاده از مدل تغییر- سهم بررسی خواهد شد.

۵-۱. بررسی روند اشتغال در کل کشور

جدول ۱. توزیع شاغلین در بخش‌های فعالیت در کشور ایران طی دوره (۱۳۹۰-۱۳۸۵) (چهاربخشی)

ارقام به میلیون ریال

فعالیت‌های اقتصادی	کشور ایران				درصد تغییرات (کاهش، افزایش)
	۱۳۸۵		۱۳۹۰		
	تعداد	درصد	تعداد	درصد	
کلیه فعالیت‌ها	۲۰۴۷۶۳۴۴	۱۰۰	۲۰۵۴۶۸۷۴	۱۰۰	٪۳۴/
کشاورزی	۳۶۸۶۷۴۷	۱۸	۳۹۰۲۴۰۳	۱۹	٪۵/۸۴
صنعت	۳۸۶۲۲۵۶	۱۸/۸۶	۳۵۳۲۷۸۴	۱۷/۱۹	-٪۸/۵۳
ساختمان	۲۶۳۱۱۴۲	۱۲/۸۶	۲۴۷۲۹۲۱	۱۲/۰۴	-٪۶/۰۱
خدمات	۱۰۲۹۶۱۹۹	۵۰/۲۸	۱۰۶۳۸۷۶۶	۵۱/۷۷	٪۳/۳۲

مأخذ: درگاه ملی آمار، سرشماری نفوس مسکن نتایج تفضیلی فعالیت استان – کشور و نتایج تحقیق.

[Downloaded from qjfep.ir on 2026-11-06]

بر اساس جدول (۱) در سال ۱۳۹۰ تعداد کل شاغلین نسبت به سال ۱۳۸۵ حدود ۰/۳۴ درصد رشد را نشان می‌دهد. بررسی آمار و ارقام حاکی از آن است که ساختار اقتصادی کشور ایران در سال ۱۳۹۰ نسبت به سال ۱۳۸۵ از نظر ترکیب، تفاوت چندانی نداشته است. با این‌حال بیشترین فروانی تعداد شاغلین در سال ۱۳۹۰، در بخش خدمات با سهم ۵۱/۷۷ درصد و سپس در بخش کشاورزی با سهم ۱۹ درصد مشاهده می‌شود.

تعداد شاغلین کشور طی دوره مورد مطالعه در بخش کشاورزی ۵/۸۴ درصد و در بخش خدمات ۳/۳۲ درصد رشد را نسبت به سال پایه (۱۳۸۵) نشان می‌دهد. بخش صنعت با ۸/۵۳ درصد کاهش و بخش ساختمان با ۶/۰۱ درصد کاهش در تعداد شاغلین طی دوره (۱۳۹۰-۱۳۸۵) مواجه بوده‌اند. این نکته قابل توجه است که کشور ایران با داشتن منابع عظیم طبیعی (نفت‌وگاز، معادن فلزی غنی و ...) تعداد شاغلین در بخش صنعت و ساختمان روند نزولی داشته است، همچنین آمار مذکور بیانگر این است که طی دوره مطالعه توزیع شاغلین به‌نفع مشاغل خدماتی (بخش خدمات) بوده وسهم اینگونه مشاغل در حال افزایش می‌باشد.

۵-۲. نتایج مدل تغییر- سهم بخش‌های عمده فعالیت طی دوره‌های (۱۳۹۰-۱۳۸۵) (به‌صورت چهار بخشی)

در بخش کشاورزی استان‌های اصفهان، ایلام، بوشهر، چهارمحال‌وبختیاری، خراسان جنوبی، خوزستان، سیستان‌وبلوچستان، کرمان، کرمانشاه، کهگیلویه‌وبویراحمد، گیلان، لرستان، مازندران، هرمزگان در حوزه فعالیت مزیت بالقوه برای رشد استان قرار دارند و به‌دلیل این‌که دارای ساختار صنعتی و منطقه‌ای و نرخ رشد مثبت می‌باشند، این فعالیت به‌عنوان محرک رشد اقتصادی استان‌ها محسوب می‌شود. استان‌های آذربایجان شرقی، آذربایجان غربی، اردبیل، تهران، خراسان رضوی، خراسان شمالی، زنجان، سمنان، فارس، قزوین، قم، کردستان، گلستان، مرکزی، همدان و یزد در حوزه فعالیت بازنده مختلط اقتصادی قرار داشته‌اند؛ به‌عبارت دیگر بیان‌کننده آن است که این استان‌ها در حال از دست دادن مزیت نسبی خود در بخش کشاورزی می‌باشند که این بخش در چشم‌انداز رشد این استان‌ها از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بوده است، جدول (۲).

در بخش صنعت استان‌های اصفهان، ایلام، بوشهر، تهران، فارس، قزوین، کردستان، کرمان، کهگیلویه‌وبویراحمد، مازندران، مرکزی و هرمزگان در حوزه فعالیت برنده اقتصادی قرار دارند

[Downloaded from qjfep.ir on 2026-11-06]

و جزء سهم رقابتی مثبت این بخش در این استان‌ها حاکی از مزیت نسبی آنها در بخش صنعت است. استان‌های آذربایجان شرقی، آذربایجان غربی، اردبیل، چهارمحال‌وبختیاری، خراسان جنوبی، خراسان رضوی، خراسان شمالی، خوزستان، زنجان، سمنان، سیستان‌وبلوچستان، قم، کرمانشاه، گلستان، گیلان، لرستان، همدان و یزد در حوزه فعالیت بازنده اقتصادی در بخش صنعت قرار دارند و سهم رقابتی و اثربخشی منفی این استان‌ها نشان می‌دهد که اقتصاد منطقه سهم خود را در این بخش نسبت به سایر مناطق از دست داده است، جدول (۲).

در بخش ساختمان، استان بوشهر در حوزه مزیت بالقوه برای رشد قرار دارد. ساختار صنعتی و منطقه‌ای و نرخ رشد مثبت این فعالیت باعث شده که این بخش به‌عنوان محرک رشد اقتصادی استان بوشهر محسوب شود. استان‌های آذربایجان غربی، اردبیل، تهران، خراسان جنوبی، خراسان رضوی، خراسان شمالی، زنجان، قم، کردستان، گلستان، گیلان، هرمزگان و همدان در حوزه فعالیت برنده اقتصادی قرار دارند و جزء سهم رقابتی مثبت این بخش در این استان‌ها بیانگر مزیت نسبی استان‌ها در این بخش است. استان‌های آذربایجان شرقی، اصفهان، ایلام، چهارمحال‌وبختیاری، خوزستان، سمنان، سیستان‌وبلوچستان، فارس، قزوین، کرمان، کرمانشاه، کهگیلویه‌وبویراحمد، لرستان، مازندران، مرکزی و یزد در حوزه فعالیت بازنده اقتصادی قرار داشته و سهم رقابتی و اثربخشی منفی این استان‌ها نشان می‌دهد که اقتصاد منطقه سهم خود را در این بخش نسبت به سایر مناطق از دست داده است، جدول (۲).

در بخش خدمات استان‌های آذربایجان غربی، اردبیل، اصفهان، ایلام، بوشهر، چهارمحال‌وبختیاری، خراسان جنوبی، خراسان رضوی، خراسان شمالی، زنجان، سمنان، فارس، قزوین، قم، کردستان، گلستان، مازندران، مرکزی، هرمزگان و همدان در حوزه فعالیت مزیت بالقوه برای رشد قرار دارند و به‌دلیل این‌که دارای ساختار صنعتی و منطقه‌ای و نرخ رشد مثبت می‌باشند، این فعالیت به‌عنوان محرک رشد اقتصادی استان‌ها محسوب می‌شود. استان‌های آذربایجان شرقی، تهران، خوزستان، سیستان‌وبلوچستان، کرمان، کرمانشاه، کهگیلویه‌وبویراحمد، گیلان، لرستان و یزد در حوزه فعالیت بازنده مختلط اقتصادی قرار دارند؛ به‌عبارت دیگر بیان کننده این است که این استان‌ها در حال از دست دادن مزیت نسبی خود در بخش خدمات می‌باشند که این بخش در چشم‌انداز رشد این استان‌ها از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بوده است، جدول (۲).

[Downloaded from qjfep.ir on 2026-11-06]

به‌منظور پیش‌بینی اشتغال دوره بعد از رابطه زیر استفاده می‌شود:

اشتغال دوره بعد=کل اشتغال سال پایه (۱۳۸۵)+اشتغال در فعالیت i سال پایه × (A+B+c)

که A، C،B به‌ترتیب رشد ناشی از اقتصاد مرجع، رشد ساختاری و رشد ناشی از مزیت رقابتی می‌باشند. بر اساس محاسبات انجام‌شده در جدول انتقال- سهم طی ۵ سال آینده (سال ۱۳۹۵) میزان اشتغال در کشور ایران مجموعاً ۲۰، ۹۷۴، ۳۶۲ خواهد شد که از این تعداد ۱۱، ۱۳۰، ۴۸۴ فرصت شغلی سهم بخش خدمات و ۴، ۲۵۱، ۲۲۴ فرصت شغلی سهم بخش کشاورزی و ۳، ۲۲۹، ۲۸۸ فرصت شغلی سهم بخش صنعت و ۲، ۳۶۳، ۳۶۶ فرصت شغلی سهم بخش ساختمان در کل کشور خواهد بود. ارقام مذکور بیانگر این است که جهت‌گیری آینده کشور به‌سمت فعالیت‌های خدماتی است و توزیع شاغلین به نفع مشاغل خدماتی می‌باشد. سهم ۳۰ استان از فرصت‌های شغلی ایجاد شده عبارت است از: استان آذربایجان شرقی ۵/۲۶ درصد، استان آذربایجان غربی ۳/۹۷ درصد، استان اردبیل ۱/۶۷ درصد، استان اصفهان ۶/۶۷ درصد، استان ایلام ۰/۸۱ درصد، استان بوشهر ۱/۹۷ درصد، استان تهران ۱۹/۳۶ درصد، استان چهارمحال‌وبختیاری ۱/۲۰ درصد، استان خراسان جنوبی ۱/۵۲ درصد، استان خراسان رضوی ۸/۲۷ درصد، استان خراسان شمالی ۱/۲۸ درصد، استان خوزستان ۴/۴۴ درصد، استان زنجان ۱/۵۲ درصد، استان سمنان ۰/۸۹ درصد، استان سیستان‌وبلوچستان ۱/۹۵ درصد، استان فارس ۵/۹۰ درصد، استان قزوین ۱/۷۹ درصد، استان قم ۱/۳۵ درصد، استان کردستان ۲/۱۵ درصد، استان کرمان ۴/۰۵ درصد، استان کرمانشاه ۲/۲۶ درصد، استان کهگیلویه‌وبویراحمد ۰/۸۰ درصد، استان گلستان ۲/۴۶ درصد، استان گیلان ۳/۷۵ درصد، استان لرستان ۲/۱۴ درصد، استان مازندران ۴/۸۱ درصد، استان مرکزی ۲/۰۳ درصد، استان هرمزگان ۲/۱۰ درصد، استان همدان ۲/۱۴ درصد و استان یزد ۱/۵۰ درصد. در جدول (۲) به تفکیک هر استان پیش‌بینی نیروی کار مشخص شده است.

[Downloaded from qjfep.ir on 2026-11-06]

جدول ۲. ساختار اشتغال بخش‌های عمده اقتصادی استان‌های ایران طی دوره (۱۳۹۰-۱۳۸۵)

استان	عنوان بخش‌ها و حوزه فعالیت هر بخش				پیش‌بینی اشتغال در سال ۱۳۹۵
	کشاورزی	صنعت	ساختمان	خدمات	
آذربایجان شرقی	بازنده مختلط اقتصادی	بازنده اقتصادی	بازنده اقتصادی	بازنده مختلط اقتصادی	۱۱۰۳۳۳۲
آذربایجان غربی	بازنده مختلط اقتصادی	بازنده اقتصادی	برنده اقتصادی	مزیت بالقوه برای رشد	۸۳۲۵۰۰
اردبیل	بازنده مختلط اقتصادی	بازنده اقتصادی	برنده اقتصادی	مزیت بالقوه برای رشد	۳۵۰۳۵۹
اصفهان	مزیت بالقوه برای رشد	بازنده اقتصادی	برنده اقتصادی	مزیت بالقوه برای رشد	۱۳۹۸۹۹۸
ایلام	مزیت بالقوه برای رشد	برنده اقتصادی	بازنده اقتصادی	مزیت بالقوه برای رشد	۱۶۹۵۳۸
بوشهر	مزیت بالقوه برای رشد	برنده اقتصادی	مزیت بالقوه برای رشد	مزیت بالقوه برای رشد	۴۱۳۶۵۱
تهران	بازنده مختلط اقتصادی	برنده اقتصادی	برنده اقتصادی	بازنده مختلط اقتصادی	۴۰۶۰۸۱۷
چهارمحال‌وبختیاری	مزیت بالقوه برای رشد	بازنده اقتصادی	بازنده اقتصادی	مزیت بالقوه برای رشد	۲۵۲۲۸۵
خراسان جنوبی	مزیت بالقوه برای رشد	بازنده اقتصادی	برنده اقتصادی	مزیت بالقوه برای رشد	۳۱۹۲۵۹
خراسان رضوی	بازنده مختلط اقتصادی	بازنده اقتصادی	برنده اقتصادی	مزیت بالقوه برای رشد	۱۷۳۳۷۱۱
خراسان شمالی	بازنده مختلط اقتصادی	بازنده اقتصادی	برنده اقتصادی	مزیت بالقوه برای رشد	۲۶۸۶۵۵
خوزستان	مزیت بالقوه برای رشد	بازنده اقتصادی	بازنده اقتصادی	بازنده مختلط اقتصادی	۹۳۱۶۹۸
زنجان	بازنده مختلط اقتصادی	بازنده اقتصادی	برنده اقتصادی	مزیت بالقوه برای رشد	۳۱۷۸۵۷
سمنان	بازنده مختلط اقتصادی	بازنده اقتصادی	بازنده اقتصادی	مزیت بالقوه برای رشد	۱۸۷۴۲۵

مأخذ: مرکز آمار ایران سرشماری نفوس و مسکن – فعالیت ۱۳۹۰-۱۳۸۵ و نتایج تحقیق.

[Downloaded from qjfep.ir on 2026-11-06]

ادامه جدول ۲.

استان	عنوان بخش‌ها و حوزه فعالیت هر بخش				پیش‌بینی اشتغال در سال ۱۳۹۵
	کشاورزی	صنعت	ساختمان	خدمات	
سیستان‌وبلوچستان	مزیت بالقوه برای رشد	بازنده اقتصادی	بازنده اقتصادی	مزیت بالقوه برای رشد	۴۰۸۴۳۷
فارس	بازنده مختلط اقتصادی	برنده اقتصادی	بازنده اقتصادی	مزیت بالقوه برای رشد	۱۲۳۷۹۷۱
قزوین	بازنده مختلط اقتصادی	برنده اقتصادی	بازنده اقتصادی	مزیت بالقوه برای رشد	۳۷۵۰۳۲
قم	بازنده مختلط اقتصادی	بازنده اقتصادی	برنده اقتصادی	مزیت بالقوه برای رشد	۲۸۲۴۴۴
کردستان	بازنده مختلط اقتصادی	برنده اقتصادی	برنده اقتصادی	مزیت بالقوه برای رشد	۴۵۱۱۹۷
کرمان	مزیت بالقوه برای رشد	برنده اقتصادی	بازنده اقتصادی	بازنده مختلط اقتصادی	۸۴۸۹۴۲
کرمانشاه	مزیت بالقوه بزای رشد	بازنده اقتصادی	بازنده اقتصادی	بازنده مختلط اقتصادی	۴۷۴۸۷۹
کهگیلویه‌وبویراحمد	مزیت بالقوه برای رشد	برنده اقتصادی	بازنده اقتصادی	بازنده مختلط اقتصادی	۱۶۷۳۱۳
گلستان	بازنده مختلط اقتصادی	بازنده اقتصادی	برنده اقتصادی	مزیت بالقوه برای رشد	۵۱۵۴۰۷
گیلان	مزیت بالقوه برای رشد	بازنده اقتصادی	برنده اقتصادی	بازنده مختلط اقتصادی	۷۸۶۱۰۲
لرستان	مزیت بالقوه برای رشد	بازنده اقتصادی	بتزنده اقتصادی	بازنده مختلط اقتصادی	۴۴۸۴۷۶
مازندران	مزیت بالقوه برای رشد	برنده اقتصادی	بازنده اقتصادی	مزیت بالقوه برای رشد	۱۰۰۸۰۹۱
مرکزی	بازنده مختلط اقتصادی	برنده اقتصادی	بازنده اقتصادی	بازنده اقتصادی	۴۲۵۵۵۳
هرمزگان	مزیت بالقوه برای رشد	برنده اقتصادی	برنده اقتصادی	مزیت بالقوه برای رشد	۴۴۰۵۶۳
همدان	بازنده مختلط اقتصادی	بازنده اقتصادی	برنده اقتصادی	مزیت بالقوه برای رشد	۴۴۹۴۹۳
یزد	بازنده مختلط اقتصادی	بازنده مختلط اقتصادی	بازنده اقتصادی	بازنده مختلط اقتصادی	۳۱۴۳۷۷

مأخذ: مرکز آمار ایران سرشماری نفوس و مسکن – فعالیت ۱۳۹۰-۱۳۸۵ و نتایج تحقیق.

[Downloaded from qjfep.ir on 2026-11-06]

۵-۳. تعیین فعالیت‌های پایه‌ای استان‌های کشور ایران از بعد اشتغال با استفاده از روش ضریب مکانی (LQ)

در این مطالعه برای تعیین و شناسایی فعالیت‌های پایه‌ای هر استان از ضریب مکانی (LQ) استفاده شده است. از این شاخص برای شناسایی بخش‌های پایه وغیرپایه در استان‌ها استفاده می‌شود. مدل LQ از رابطه زیر به‌دست می‌آید:

$$LQ_i = \frac{\frac{e_i}{\sum e_i}}{\frac{E_i}{\sum E_i}} \qquad (۴)$$

LQ_i: ضریب مکانی اشتغال منطقه در بخش i

e_i: اشتغال منطقه در بخش i

E_i: اشتغال استان در بخش i

$\sum e_i$: کل اشتغال منطقه

$\sum E_i$: کل اشتغال اقتصاد مرجع (کشور یا استان)

در رابطه فوق، نسبت مکانی به‌عبارتی سهم هر بخش (فعالیت اقتصادی) از کل اشتغال در سطح استان نسبت به سهم اشتغال آن در سطح کشور است. در صورتی‌که این نسبت بزرگتر از یک باشد، آن فعالیت اقتصادی، پایه‌ای محسوب می‌شود، اما اگر کوچکتر از یک باشد به‌عنوان فعالیت غیرپایه‌ای و در صورتی‌که مساوی یک باشد آن فعالیت خودکفا محسوب می‌شود.

در جدول (۳) با استفاده از روابط فوق، ضرایب مکانی بخش‌های کشاورزی، صنعت، ساختمان و خدمات و همچنین بخش‌های دارای فعالیت پایه‌ای در سال ۱۳۹۰ مشخص شده‌اند. همان‌طور که مشاهده می‌شود اکثر استان‌ها به‌جز استان‌های اصفهان، بوشهر، تهران، سمنان و قم، بقیه در بخش کشاورزی دارای فعالیت پایه‌ای بوده و این بخش (کشاورزی) در جهت مزیت رقابتی استان‌ها حرکت کرده است. بخش صنعت فقط در ۹ استان آذربایجان شرقی، اصفهان، تهران، زنجان، سمنان، قزوین، قم، مرکزی و یزد فعالیت پایه‌ای محسوب شده و در جهت مزیت رقابتی این استان‌ها حرکت کرده، در استان خورستان این بخش به سطح خودکفایی رسیده و در

[Downloaded from qjfep.ir on 2026-11-06]

سایر استان‌ها به‌ویژه استان بوشهر که قطب صنعتی کشور محسوب می‌شود و این بخش می‌تواند نقش مؤثری در رشد و توسعه این استان ایفا کند هنوز این بخش حتی به سطح خودکفایی هم نرسیده است. در بخش ساختمان استان‌های آذربایجان غربی، اردبیل، بوشهر، چهارمحال‌وبختیاری، خراسان رضوی، خراسان شمالی، فارس، قم، کردستان، کهگیلویه‌وبویراحمد، گلستان، لرستان، همدان و یزد، دارای فعالیت پایه‌ای بوده و صادرکننده نیروی کار خود به‌نفع بخش‌هایی هستند که با کمبود شاغل مواجهند. بخش خدمات در استان‌های بوشهر، تهران، خوزستان، سمنان، فارس، قم، کرمانشاه و هرمزگان فعالیت پایه‌ای محسوب شده و این بخش درجهت مزیت رقابتی این استان‌ها حرکت کرده است. ضرایب مکانی سایر استان‌ها در بخش خدمات حاکی از این است که این بخش در آن‌ها هنوز به سطح خودکفایی نرسیده و متقاضی نیروی کار بیشتری می‌باشد.

جدول ۳. ضریب مکانی بخش‌های عمده فعالیت استان‌های کشور (به‌صورت ۴ بخشی) از بعد اشتغال در سال ۱۳۹۰

استان	عنوان بخش‌ها و ضرایب مکانی هر بخش				بخش‌های دارای فعالیت پایه‌ای در سال ۱۳۹۰
	کشاورزی	صنعت	ساختمان	خدمات	
آذربایجان شرقی	۱/۱۲	۱/۳۱	۰/۹۳	۰/۸۷	کشاورزی و صنعت
آذربایجان غربی	۱/۴۷	۰/۶۷	۱/۰۷	۰/۹۲	کشاورزی و ساختمان
اردبیل	۱/۵۶	۰/۵۴	۱/۳۴	۰/۸۷	کشاورزی و ساختمان
اصفهان	۰/۶۴	۱/۵۳	۰/۹۹	۰/۹۶	صنعت
ایلام	۱/۷۰	۰/۴۲	۰/۹۰	۰/۹۶	کشاورزی
بوشهر	۰/۵۸	۰/۹۱	۱/۴۱	۱/۰۹	ساختمان و خدمات
تهران	۰/۱۳	۱/۳۹	۰/۷۸	۱/۲۴	صنعت و خدمات
چهارمحال‌وبختیاری	۱/۱۸	۰/۶۶	۱/۹۶	۰/۸۲	کشاورزی وساختمان
خراسان جنوبی	۱/۸۶	۰/۶۵	۰/۸۱	۰/۸۴	کشاورزی
خراسان رضوی	۱/۰۸	۰/۹۷	۱/۱۵	۰/۹۵	کشاورزی و ساختمان
خراسان شمالی	۱/۶۵	۰/۶۳	۱/۵۳	۰/۷۶	کشاورزی و ساختمان
خوزستان	۱/۰۱	۱	۰/۸۴	۱/۰۳	کشاورزی و خدمات
زنجان	۱/۴۵	۱/۰۶	۱	۰/۸۲	کشاورزی، صنعت و ساختمان
سمنان	۰/۹۰	۱/۰۹	۰/۹۰	۱/۰۳	صنعت و خدمات
سیستان‌وبلوچستان	۱/۷۷	۰/۴۳	۰/۷۴	۰/۹۷	کشاورزی

[Downloaded from qjfep.ir on 2026-11-06]

ادامه جدول ۳.

استان	عنوان بخش‌ها و ضرایب مکانی هر بخش				بخش‌های دارای فعالیت پایه‌ای در سال ۱۳۹۰
	کشاورزی	صنعت	ساختمان	خدمات	
فارس	۱/۱۴	۰/۶۹	۱/۱۱	۱/۰۳	کشاورزی، ساختمان وخدمات
قزوین	۱/۱۰	۱/۳۴	۰/۷۸	۰/۹۰	کشاورزی و صنعت
قم	۰/۳۰	۱/۲۴	۱/۳۳	۱/۱۰	صنعت، ساختمان و خدمات
کردستان	۱/۷۰	۰/۴۹	۱/۱۶	۰/۸۸	کشاورزی و ساختمان
کرمان	۱/۸۸	۰/۶۸	۰/۸۷	۰/۸۱	کشاورزی
کرمانشاه	۱/۴۳	۰/۴۸	۰/۹۳	۱/۰۳	کشاورزی و خدمات
کهگیلویه‌وبویراحمد	۱/۵۴	۰/۵۸	۱/۲۰	۰/۸۹	کشاورزی و ساختمان
گلستان	۱/۴۰	۰/۶۹	۱/۴۹	۰/۸۴	کشاورزی و ساختمان
گیلان	۱/۴۷	۰/۷۵	۰/۸۱	۰/۹۵	کشاورزی
لرستان	۱/۷۰	۰/۴۹	۱/۱۶	۰/۸۸	کشاورزی وساختمان
مازندران	۱/۲۹	۰/۷۷	۰/۹۹	۰/۹۷	کشاورزی
مرکزی	۱/۰۵	۱/۴۰	۰/۹۲	۰/۸۷	کشاورزی و صنعت
هرمزگان	۱/۲۱	۰/۶۷	۰/۸۸	۱/۰۶	کشاورزی و خدمات
همدان	۱/۳۹	۰/۷۶	۱/۲۸	۰/۸۷	کشاورزی و ساختمان
یزد	۰/۷۳	۱/۵۳	۱/۰۲	۰/۹۲	صنعت و ساختمان

مأخذ: مرکز آمار ایران سرشماری نفوس و مسکن –فعالیت، نتایج تحقیق.

۶. نتایج

مقاله حاضر با هدف بررسی و تحلیل روند و توزیع منطقه‌ای اشتغال در بخش‌های مختلف اقتصادی استان‌های کشور ایران طی دوره زمانی (۱۳۹۰-۱۳۸۵) نگارش شده است. اثر ساختار اقتصادی استان‌ها و مزیت‌های نسبی و فعالیت‌های پایه‌ای (از بعد اشتغال) هراستان طی دوره مورد بررسی با استفاده از مدل‌های تحلیل انتقال – سهم و ضریب مکانی ارزیابی و تحلیل شده که نتایج آن عبارت است از:

در بخش کشاورزی استان‌های اصفهان، ایلام، بوشهر، چهارمحال‌وبختیاری، خراسان جنوبی، خوزستان، سیستان‌وبلوچستان، کرمان، کرمانشاه، کهگیلویه‌وبویراحمد، گیلان، لرستان، مازندران، هرمزگان در حوزه فعالیت بالقوه برای رشد استان قرار دارند و به‌دلیل این‌که دارای ساختار صنعتی و منطقه‌ای و نرخ رشد مثبت می‌باشند، این فعالیت به‌عنوان محرک رشد اقتصادی

[Downloaded from qjfep.ir on 2026-11-06]

استان‌ها محسوب می‌شود. استان‌های آذربایجان شرقی، آذربایجان غربی، اردبیل، تهران، خراسان رضوی، خراسان شمالی، زنجان، سمنان، فارس، قزوین، قم، کردستان، گلستان، مرکزی، همدان و یزد در حوزه فعالیت بازنده مختلط اقتصادی قرار دارند؛ به‌عبارت دیگر بیان‌کننده آن است که این استان‌ها در حال از دست دادن مزیت نسبی خود در بخش کشاورزی می‌باشند که این بخش در چشم‌انداز رشد این استان‌ها از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بوده است.

در بخش صنعت، استان‌های اصفهان، ایلام، بوشهر، تهران، فارس، قزوین، کردستان، کرمان، کهگیلویه‌وبویراحمد، مازندران، مرکزی و هرمزگان در حوزه فعالیت برنده اقتصادی قرار دارند و جزء سهم رقابتی مثبت این بخش در این استان‌ها حاکی از مزیت نسبی آنها در بخش صنعت است. استان‌های آذربایجان شرقی، آذربایجان غربی، اردبیل، چهارمحال‌وبختیاری، خراسان جنوبی، خراسان رضوی، خراسان شمالی، خوزستان، زنجان، سمنان، سیستان‌وبلوچستان، قم، کرمانشاه، گلستان، گیلان، لرستان، همدان و یزد در حوزه فعالیت بازنده اقتصادی در بخش صنعت قرار دارند و سهم رقابتی و اثربخشی منفی این استان‌ها نشان می‌دهد که اقتصاد منطقه سهم خود را در این بخش نسبت به سایر مناطق از دست داده است.

در بخش ساختمان استان بوشهر در حوزه مزیت بالقوه برای رشد قرار دارد. ساختار صنعتی و منطقه‌ای و نرخ رشد مثبت این فعالیت باعث شده که این بخش به‌عنوان محرک رشداقتصادی استان بوشهر محسوب شود. استان‌های آذربایجان غربی، اردبیل، تهران، خراسان جنوبی، خراسان رضوی، خراسان شمالی، زنجان، قم، کردستان، گلستان، گیلان، هرمزگان و همدان در حوزه فعالیت برنده اقتصادی قرار داشته و جزء سهم رقابتی مثبت این بخش در این استان‌ها بیانگر مزیت نسبی استان‌ها در این بخش می‌باشد. استان‌های آذربایجان شرقی، اصفهان، ایلام، چهارمحال‌وبختیاری، خوزستان، سمنان، سیستان‌وبلوچستان، فارس، قزوین، کرمان، کرمانشاه، کهگیلویه‌وبویراحمد، لرستان، مازندران، مرکزی و یزد در حوزه فعالیت بازنده اقتصادی قرار داشته و سهم رقابتی و اثربخشی منفی این استان‌ها نشان می‌دهد که اقتصاد منطقه سهم خود را در این بخش نسبت به سایر مناطق از دست داده است.

در بخش خدمات استان‌های آذربایجان غربی، اردبیل، اصفهان، ایلام، بوشهر، چهارمحال‌وبختیاری، خراسان جنوبی، خراسان رضوی، خراسان شمالی، زنجان، سمنان، فارس،

[Downloaded from qjfep.ir on 2026-11-06]

قزوین، قم، کردستان، گلستان، مازندران، مرکزی، هرمزگان و همدان در حوزه فعالیت مزیت بالقوه برای رشد قرار دارند و به‌دلیل این‌که دارای ساختار صنعتی و منطقه‌ای و نرخ رشد مثبت می‌باشند، این فعالیت به‌عنوان محرک رشد اقتصادی استان‌ها محسوب می‌شود. استان‌های آذربایجان شرقی، تهران، خوزستان، سیستان‌وبلوچستان، کرمان، کرمانشاه، کهگیلویه‌وبویراحمد، گیلان، لرستان و یزد در حوزه فعالیت بازنده مختلط اقتصادی قرار دارند؛ به‌عبارت دیگر بیان‌کننده این است که این استان‌ها در حال از دست دادن مزیت نسبی خود در بخش خدمات می‌باشند که این بخش در چشم‌انداز رشد این استان‌ها از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بوده است.

از نظر فعالیت پایه‌ای اکثر استان‌ها به‌جز استان‌های اصفهان، بوشهر، تهران، سمنان و قم، سایر آن‌ها در بخش کشاورزی دارای فعالیت پایه‌ای بوده و این بخش (کشاورزی) در جهت مزیت رقابتی استان‌ها حرکت کرده است. بخش صنعت فقط در ۹ استان آذربایجان شرقی، اصفهان، تهران، زنجان، سمنان، قزوین، قم، مرکزی و یزد فعالیت پایه‌ای محسوب شده و در جهت مزیت رقابتی این استان‌ها حرکت کرده، در استان خوزستان این بخش به سطح خودکفایی رسیده و در سایر استان‌ها به‌ویژه استان بوشهر که قطب صنعتی کشور محسوب می‌شود و این بخش می‌تواند نقش مؤثری در رشد و توسعه این استان ایفاکند هنوز این بخش حتی به سطح خودکفایی هم نرسیده است. در بخش ساختمان استان‌های آذربایجان غربی، اردبیل، بوشهر، چهارمحال‌وبختیاری، خراسان رضوی، خراسان شمالی، فارس، قم، کردستان، کهگیلویه‌وبویراحمد، گلستان، لرستان، همدان و یزد، دارای فعالیت پایه‌ای بوده و صادرکننده نیروی کار خود به‌نفع بخش‌هایی می‌باشند که با کمبود شاغل مواجهند. بخش خدمات در استان‌های بوشهر، تهران، خوزستان، سمنان، فارس، قم، کرمانشاه و هرمزگان فعالیت پایه‌ای محسوب شده و این بخش در جهت مزیت رقابتی این استان‌ها حرکت کرده است. ضرایب مکانی سایر استان‌ها در بخش خدمات حاکی از این است که این بخش در آن‌ها هنوز به سطح خودکفایی نرسیده و متقاضی نیروی کار بیشتری است.

[Downloaded from qjfep.ir on 2026-11-06]

منابع

اکبری، نعمت‌اله و شیرین مصری‌نژاد (۱۳۸۲)، "بررسی وضعیت اشتغال در بخش‌های عمده اقتصادی استان اصفهان طی دوره (۱۳۷۵-۱۳۶۵)"، *مجله دانشکده علوم اداری و اقتصاد دانشگاه اصفهان*، سال ۱۵، شماره ۳، صص ۷۱-۵۴.

اکبری، نعمت‌اله؛ اسماعیل‌پور، یاسو و علی سرخوش‌سرا (۱۳۹۱)، "تحلیل وضعیت اشتغال بخش‌های عمده اقتصادی شهرستان‌های استان کرمانشاه طی دوره ۱۳۸۵-۱۳۷۵"، *فصلنامه آمایش محیط*، شماره ۲۰، صص ۱۰۵-۸۱.

بختیاری، صادق و ابوالفضل یحیی‌آبادی (۱۳۸۰)،"تحلیل تغییرات ساختاری در اشتغال و بررسی انتقال نیروی کار بین بخش‌های اقتصادی ایران"، *مجله پژوهشی علوم انسانی دانشگاه اصفهان*، شماره ۱۲، اصفهان، صص ۷۶-۵۵.

پدرام، مهدی و مریم حبیبی‌فر (۱۳۸۷)، "بررسی رابطه بلندمدت تقاضای نیروی کار و عوامل مؤثر بر آن در بخش صنعت ایران از طریق آزمون همجمعی جوهانسون"، *پژوهشنامه اقتصادی*، شماره ۳، تهران، صص ۱۶۱-۱۴۱.

جمشیدی، رمضان (۱۳۸۰)، "تجزیه‌وتحلیل روند رشد اشتغال و تغییرات ساختاری آن در بخش صنعت در استان‌های مختلف ایران"، *پژوهش‌های اقتصادی*، سال ۱، شماره ۱، صص ۱۶-۴.

حکیمیان، محمدحسین (۱۳۷۸)، "بررسی نقش بخش خدمات در اقتصاد ایران"، *مجله مدیرساز*، شماره ۶، تهران، صص ۶۱-۳۳.

زیاری، کرامت‌اله (۱۳۸۰)، "بررسی، تحلیل و برنامه‌ریزی اشتغال در استان یزد"، *فصلنامه تحقیقات جغرافیایی*، شماره ۶۱، صص۱۰۷-۸۹.

سبحانی، حسن و باقر درویشی (۱۳۸۴)،" بررسی مزیت نسبی و تحلیل ساختار اشتغال در استان ایلام"، *مجله تحقیقات اقتصادی*، شماره ۷۰ ، ۱۸۸-۱۵۹.

صباغ‌کرمانی، مجید (۱۳۸۰)، "تمرکز نسبی اشتغال در فعالیت‌های صنعتی استان‌های کشور (کاربرد مدل اقتصاد پایه)"، *پژوهشنامه بازرگانی*، سال ۵، شماره ۱۷، صص ۸۵ – ۶۳.

صیدایی، اسکندر.؛ بهاری، عیسی و امیر زارعی (۱۳۹۰)،" بررسی وضعیت اشتغال و بیکاری در ایران طی سال‌های ۱۳۸۹- ۱۳۳۵، *راهبرد یاس*، شماره ۲۵، صص ۲۴۷- ۲۱۶.

عبیری، غلامحسین (۱۳۸۴)، "توسعه‌نیافتگی و اشتغال، روند تحولات کشورهای درحال‌توسعه"، *مجله اقتصاد و بانک*، شماره ۵۹، تهران، صص ۴۵-۴۱.

فرشادفر، زهرا و حسین اصغرپور (۱۳۸۹)، "بررسی مریت نسبی اشتغالزایی بخش‌های عمده اقتصادی در استان کرمانشاه"، *مجله دانش و فناوری*، سال ۱، شماره ۲، صص ۷۵- ۶۰.

[Downloaded from qjfep.ir on 2026-11-06]

فرهودی، رحمت اله و اکبر محمدی (۱۳۸۵)، "تحلیل و پیش‌بینی وضعیت اشتغال در شهر سنندج با استفاده از تغییر سهم ضریب مکانی و ضریب جینی، *پژوهش‌های جغرافیایی*، سال ۳۸، شماره ۵۵، صص ۲۰۲-۱۸۹.

قویدل، صالح و خسرو عزیزی (۱۳۸۷)، "شناسایی عوامل مؤثر بر سهم اشتغال *در بخش خدمات و زیربخش‌های آن (مورد مطالعه ایران)"، پژوهشنامه* علوم انسانی و اجتماعی، شماره ۲۸، بابلسر، صص ۱۱۶-۹۸.

کرباسی، علیرضا، اثنی‌عشری، هاجر و حسن عاقل (۱۳۸۷)، "پیش‌بینی اشتغال بخش کشاورزی در ایران"، *مجله اقتصاد در توسعه کشاورزی*، جلد ۲۲، شماره ۲، تهران، صص ۴۳-۳۱.

کیهانی‌حکمت، رضا (۱۳۹۲)،"بررسی تحولات اشتغال فارغ‌التحصیلان نظام آموزش عالی در بخش‌های عمده اقتصادی با استفاده از تحلیل انتقال – سهم"، *فصلنامه* جمعیت، شماره ۸۵.

مهرگان نادر؛ موسایی، میثم و روح‌اله رضایی (۱۳۹۰)، *تحولات اشتغال زنان در ایران با استفاده از تحلیل انتقال سهم رفاه اجتماعی*، صص ۹۳ – ۱۰۵.

Adepoju, A. (1978), *Manpower Development in West Africa, in Damachi, Ukandi and Diejomao*h, V., (eds), Human Resources and African Development, New York: Praeger.

Aya ay, M.; Rosendo, B. & P. Edmundo (2007), "Shift-Share Analysis on Regional Employment Growth in the Philippines", 10th National Convention on Statistics (NCS), EDSA Shangri-La Hotel, October 1-2.

Benjamin, D. (1992), "Household Composition, Labor Markets and Labor Demand: Testing for Separation in Agricultural Households Models", *the Econometrical Society*, Vol. 2, No. 60, PP. 287-322.

Burgess, S. M. (1988), "Employment in UK Manufacturing", the *Economicic Journal*, Vol. 389, No. 98, PP. 81-103.

Chiang, Sh. h. (2009), "Location Quotient and Trade", t*he Annals of Regional Science*, Vol. 43, No. 2, PP. 399–414.

Cho, Y.S. (1963), Disguised Unemployment in Underdeveloped Areas, with Special Refrence to South Korean Agriculture Berkeley.

Chunyun, Sh.; Jie, Zh.; Yang, Y. & Z. Zhang (2007), "Shift-Share Analysis on International Tourism Competitiveness: A Case of Jiangsu Province", *Chinese Geographical Science*,Vol. 2 ,No. 17, PP. 173-178.

Diejomaoh, V. P. (1978), *Introduction to Human Resources and African Development*, New York: Praeger, PP. 1-6.

Dorfman, R. (1991), "Review Article: Economic Development from the Beginning to Rostow", *Journal of Economic Literature*, Vol. 29.

Fei, C.H. & G. Ranis (1965), Development of Labour Surply, Economiy, Theory and Policy, Homewood, ILL., Irwin Richard.

Fei, C. H. & G. Ranis (1966), *Agrarianism, Dualism and Economic Development*, in Adelman, I. and Thornbecker, E., (eds.), the Theory and Design of Economic Development, Baltimore: The John Hopkins Press.

[Downloaded from qjfep.ir on 2026-11-06]

Griffin, K. & J. Garley (1985), "Radical Analysis of Imperialism, the Third Word, and the Transition to Socialism", *Journal of Economic Literature*, Vol. 23, No. 3.

Guimaraes, P.; Figueiredo, O. & D. Woodward (2009), "Dartboard Tests for the Location Quotient", *Regional Science and Urban Economics*, Vol. 39, No. 3, PP. 360– 364.

Harbison, H. F. (1978), *Human Resources as the Wealth of Nations*, New York: Oxford University.

ILO (1973), *Labour Force Projections*, Geneva: ILO.

Khan, S. & E. Ghani (1989), "Employment Generation in Rural Pakistan with Special Focus on Rural Industrialization", *Pakistan Development Review*, Vol. 4, No. 28, PP. 587-602

Kuznets, Simon (1955), "Economic Growth and Income Inequality", *American Economic Review*, Vol. 45, PP. 1–28

Lewis, W. A. (1954), *Economic Development with Unlimited Surplus of Labour*, the Manchester School, Vol. 2.

Ricardo, David (1817), *On the Principles of Political Economy and Taxation*, Third Edition London: John Murray.

Schultz, T. (1961), "Investment in Human Capital", *American Economic Review*, Vol. 51, No. 1, PP. 1-17.

Sen, Amartya (1981), "Public Action and the Quality of Life in Developing Countries", *Oxford Bulletin of Economics and Statistics*, Vol. 43, No. 4, PP. 287-319.

Smith, Adam (1776), An Inquiry into the Nature and Causes of the Wealth of Nations, Edwin Cannan, (ed.), Fifth Edition, London: Methuen and Co. Ltd., 1904.

Todaro, M. P. (1997), "*Economic Development*", 6th, Reading MA: Addison- Wesley.

Trumble, W. R. et al. (2002), *Oxford Dictionary*, Oxford: Oxford University Press.

UNDP, (1990), *Human Development Report*, U. N. Development Program, Oxford University Press, Oxford.

[Downloaded from qjfep.ir on 2026-11-06]